حقوق پزشکی

منشور حقوق بیمار

مهسا خوش‌اخلاق . پژوهشگر حقوق پزشکی

● کشورهای مختلف جهان در راستای حفظ و احترام به حقوق بیماران منشور حقوق بیمار را تدوین و تصویب کرده‌اند و ارائه‌کنندگان خدمات درمانی را ملزم به اجرای آنها کرده‌اند. اصول مشترک منشور حقوق بیماران مصوب اتحادیه جهانی پزشکی، اتحادیه اروپا، اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا، آفریقای جنوبی، کانادا، انگلستان و ژاپن عبارت‌اند از:

۱-حق برخورداری از درمان مناسب بدون تبعیض

۲-حق آگاهی از وضعیت بیماری

۳-حق محرمانه‌بودن اطلاعات درمانی بیمار

۴-حق اعلام رضایت آگاهانه و آزادانه برای انجام مداخلات پزشکی

۵- حق تصمیم‌گیری درخصوص نوع درمان

۶-حق احترام به حریم خصوصی بیمار در بیمارستان

۷-حق داشتن آرامش

۸- حق شکایت و اعتراض در صورت عدم رعایت حقوق بیمار مطابق با منشور.

۹- حق جبران خسارت ناشی از هرگونه تخلف، تأخیر یا قصور در رعایت حقوق بیماران.

در ایران نیز منشور جامع حقوق بیمار در پنج محور کلی و ۳۷ بند در سال ۱۳۸۸ توسط وزارت بهداشت تنظیم و ابلاغ شد. محورهای پنج‌گانه این منشور شامل:۱- حق دریافت خدمات مطلوب ۲-حق دریافت اطلاعات به نحو کافی و مطلوب۳- حق انتخاب و تصمیم‌گیری آزادانه بیمار در دریافت خدمات سلامت ۴-حق احترام به حریم خصوصی بیمار و رعایت اصل رازداری ۵- حق دسترسی به نظام کارآمد رسیدگی به شکایات است. ذیل هریک از این محورها حدود و جزئیات این حقوق تبیین شده است. با این حال نقدی بر منشور وارد است زیرا هرچند در آن برای بیمار حق شکایت و جبران خسارت در نظر گرفته شده اما ضمانت اجرا و خسارت معینی برای نقض هریک از مفاد این منشور مشخص نشده است در حالی که این منشور بیانگر حق بیماران و متقابلا تکلیف پزشکان است و باید ضمانت اجرای مشخصی داشته باشد تا هم برای پزشکان کاملا لازم‌الاتباع باشد و هم بیماران در صورت نقض حقوق خود بدانند که مستحق دریافت چه خسارتی هستند و این خسارت را از چه مرجعی می‌توانند مطالبه کنند. فقدان ضمانت اجرا برای چنین حقوقی موجب می‌شود منشور تنها در حد بیان اصول اخلاقی فاقد ضمانت اجرای حقوقی باشد و فایده عملی برای بیماران نداشته باشد. همچنین باید حقوق مذکور در این منشور به بیماران اطلاع‌رسانی شود تا آنها حقوق خود را مطالبه کنند و مطابق حق اعتراضی که در منشور باید برای آنها پیش‌بینی شود، بتوانند به عدم حسن اجرای حقوق خود اعتراض کنند. از طرف دیگر این اصول باید به تمامی ارائه‌کنندگان خدمات بهداشتی- درمانی نیز آموزش داده شود و عواقب احتمالی عدم رعایت آنها و خساراتی که باید به بیماران بپردازند نیز برایشان تبیین شود. به نظر می‌رسد این نقص در منشور از آنجایی ناشی شده که این منشور توسط وزارت بهداشت تصویب شده است در حالی که لازم است حمایت و نظارت بر تأمین حقوق بیماران توسط نهادی مجزا و مستقل از نهاد اجرائی و ارائه‌کننده خدمات پزشکی انجام شود و پیشنهاد می‌شود زیر نظر دستگاه قضائی سازمان حمایت از حقوق بیماران تشکیل شود تا بتواند بر حسن اجرای اصول منشور نظارت داشته باشد و به اعتراضات و دعاوی خسارت بیماران رسیدگی کند.

به‌مناسبت روز جهانی پناهنده

بی‌جاشدگان در آرزوی پلکان امید

پیمان حقیقت‌طلب

عکس: شهاب‌الدین واجی، فارس

در هر دقیقه ۲۰ نفر مجبور می‌شوند که همه زندگی‌شان را رها کنند، هرچه را که دارند و ندارند، بگذارند و جانشان را بردارند و فرار کنند؛ از جنگ و تبعیض و ناامنی و کشتار فرار کنند؛ کسانی که در جهان با عنوان کلی بی‌جاشده نام برده می‌شوند؛ بی‌پناهانی که یا در کشور خودشان آواره می‌شوند یا به کشوری دیگر پناه می‌آورند.

روز ۳۰ خرداد (۲۰ ژوئن) هر سال روزی است که به نام آوارگان جهان نامیده شده است: روز جهانی پناهندگان. طبق آخرین آمارهای سازمان ملل متحد بیش از ۶۸ میلیون نفر در جهان مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند. از این تعداد ۴۰ میلیون نفرشان در کشور خودشان بی‌جا و مکان شده‌اند، بیش از ۲۵ میلیون نفرشان به کشور دیگری پناهنده شده‌اند و بیش از سه میلیون نفر در انتظار پناهندگی به کشوری دیگرند. در سال‌های گذشته بحران‌های سوریه، میانمار، سودان جنوبی، یمن و ونزوئلا جمعیت آوارگان جهان را روزبه‌روز افزایش داده است و کشورهای در حال توسعه میزبان بیش از ۸۵ درصد پناهندگان جهان شده‌اند: کشورهایی که همسایه کشورهای دچار مشکل‌اند.

ایران یکی از کشورهایی است که در طول ۴۰ سال اخیر همواره با مسئله پناهندگی روبه‌رو بوده است. در دهه ۷۰ ایران طبق آمارهای رسمی میزبان بیش از پنج میلیون پناهنده از همسایگان غربی و شرقی‌اش بود: عراق و افغانستان. ولی تعدادی از این پناهندگان با تغییر شرایط منطقه به کشور خودشان بازگشتند یا به کشور سومی مهاجرت کردند؛ به‌گونه‌ای که اکنون ایران در جایگاه پنجم کشورهای پناهنده‌پذیر در جهان قرار دارد. ترکیه، اوگاندا، پاکستان، لبنان و ایران در زمره پناهنده‌پذیرترین کشورهای دنیا قرار دارند.

ترکیه میزبان بیش از ۳/۶میلیون نفر پناهنده سوری و افغانستانی است. این کشور علاوه بر کمک‌های میلیارد یورویی از اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۸ حدود ۴۶۳ میلیون دلار نیز از کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان (UNHCR) دریافت کرد. ایران در زمینه دریافت کمک‌های بین‌المللی به‌خاطر پناهندگان افغانستانی و عراقی در قیاس با سایر کشورها عملکرد بسیار ضعیفی داشته است. در سال ۲۰۱۸ ایران برای ۹۸۰ هزار نفر پناهنده حاضر در کشور از UNHCR فقط ۲۸ میلیون دلار دریافت کرد. درحالی‌که درخواست حدود ۱۰۰میلیون دلار کمک داشت. در دهه ۱۳۷۰ نیز در سال‌هایی که کشور پاکستان برای حضور پناهندگان افغانستانی از UNHCR مبالغ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون دلار به‌صورت سالانه دریافت می‌کرد، ایران در برخی سال‌ها حتی یک دلار هم دریافت نمی‌کرد.

پناهندگان در ایران و اوگاندا

اوگاندا در شرق میانه آفریقا قرار دارد. کشوری با ۳۸ میلیون نفر جمعیت که در منطقه‌ای استراتژیک قرار دارد. در غرب این کشور جمهوری کنگو، در شمال آن سودان جنوبی و در جنوب روآندا قرار دارند؛ کشورهایی که به‌شدت دچار جنگ‌های داخلی و ناامنی هستند. اما اوگاندا به‌دلیل امنیت نسبی‌اش مقصدی بسیار جذاب برای پناهندگان این کشورها است. به‌گونه‌ای که این روزها این کشور ۳۸ میلیون نفری، میزبان بیش از ۱/۴ میلیون نفر پناهنده سودانی، روآندایی و کنگویی است. ۶۵ درصد پناهندگان این کشور از سودان جنوبی، ۲۷ درصد از کنگو و مابقی از سومالی، روآندا و بروندی هستند.

ایران نیز در قلب خاورمیانه و یکی از باثبات‌ترین و امن‌ترین کشورهای منطقه است. اختلافات داخلی کشورهای همسایه، رشد گروه‌های تروریستی، وقوع ناامنی و سایر عوامل باعث شده‌اند تا ایران نیز به مقصدی جذاب برای پناهندگان کشورهای همسایه به‌ویژه برای افغانستان، پاکستان و عراق تبدیل شود. موقعیتی که کشور ایران و اوگاندا نسبت به همسایگان خود دارند، شاید آنها را برای برخی قیاس‌ها در زمینه مدیریت پناهندگان مناسب کند.

طبق آمارهای رسمی، ایران میزبان ۹۸۰ هزار نفر پناهنده است. کسانی که در داخل ایران به دارندگان کارت آمایش موسوم‌اند. آنها برای زندگی در ایران با پاره‌ای از محدودیت‌ها مواجه‌اند: فقط حق اسکان در شهری را دارند که روی کارتشان درج شده است. فقط دو بار در سال حق سفر دارند؛ آن هم با اجازه ادارات اتباع بیگانه شهرها و با تعیین دقیق زمان حرکت و مسیر حرکت و مقصدو... حق داشتن گواهی‌نامه و رانندگی ندارند. حق داشتن کارت بانکی و بهره‌مندی از خدمات الکترونیک بانکی ندارند. هرساله مدرک اقامتی آنان با دریافت مبالغی تمدید می‌شود و فقط مجاز به کار در مشاغل خاص و عموما سطح پایین هستند. سال‌ها است که ایران پناهنده جدیدی نپذیرفته و پناهندگی در ایران موروثی شده است؛ یعنی فرزندی که از پدر و مادر دارای کارت آمایش به دنیا می‌آید هم پناهنده نامیده می‌شود و به او کارت آمایش می‌دهند. حتی سه نسل بعد از پناهندگی هم دارندگان کارت آمایش پناهنده محسوب می‌شوند. خیلی از آنان در ایران متولد شده و بزرگ شده و صاحب فرزند می‌شوند. حتی خیلی از آنان موفق می‌شوند به دانشگاه بروند و تحصیلات عالیه داشته باشند. اما درنهایت پناهنده هستند و فقط مجاز به کار در مشاغلی خاص. خیلی از پناهندگان ایران تحصیل‌کرده‌اند. اما در آخر امر مجبورند که در مشاغل سطح پایینی مشغول‌به‌کار شوند که پدران آنها ۴۰ سال پیش مشغول‌به‌کار بودند؛ پدرانی که بی‌سواد بودند و مجبور به کار در مشاغل سطح پایین.

ایران در زمینه آموزش و تحصیل به پناهندگان یکی از کشورهای سرآمد جهان است. در کشور اوگاندا تنها ۵۲ درصد از مردم سواد دارند و این نسبت در بین پناهندگان نیز به نصف می‌رسد. اما ایران نه‌تنها حق تحصیل برای تمام کودکان پناهنده را فراهم کرده بلکه چنین حقی را برای فرزندان مهاجران غیرقانونی هم به رسمیت شناخته است.

پناهندگان در کشور اوگاندا در کمپ‌ها و مراکز مخصوص در شمال، غرب و جنوب این کشور نگهداری می‌شوند اما ۹۷ درصد پناهندگان در ایران در کنار مردم عادی زندگی می‌کنند و فقط سه درصدشان در مهمان‌شهرها (کمپ‌های پناهندگی) اسکان داده شده‌اند. این در حالی است که میزان دریافت کمک‌های بین‌المللی کشورهای ایران و اوگاندا به خاطر پذیرش پناهندگان اصلا قابل مقایسه نیست. در سال ۲۰۱۸ ایران فقط ۲۸ میلیون دلار دریافت کرد؛ درحالی‌که اوگاندا ۴۶۰ میلیون دلار از UNHCR دریافت کرد.

اما یکی از شباهت‌های مهم ایران و اوگاندا، قوانین رسمی این دو کشور در زمینه اعطای حق تابعیت به پناهندگان است. در بند ۱۶ قانون شهروندی و مهاجرت کشور اوگاندا (UCICA[1]) برای پناهندگان حاضر در این کشور پنج شرط تعیین‌شده که در صورت دارابودن، پناهندگان می‌توانند به تابعیت اوگاندا در بیایند:

۱- فرد پناهنده در مجموع حداقل ۲۰ سال در اوگاندا سکونت داشته باشد.

۲- ۲۴ ماه قبل از درخواست از اوگاندا خروج نداشته باشد.

۳- به زبان بومی اوگاندا یا انگلیسی (زبان رسمی اوگاندا) تسلط داشته باشد.

۴- شخصیت خوبی داشته باشد.

۵- در نظر داشته باشد که پس از کسب تابعیت اوگاندا در این کشور سکونت داشته باشد.

ماده ۹۷۹ قانون مدنی ایران نیز مشابه چنین شرایطی و حتی سهل‌تر را برای کسب تابعیت ایران در نظر گرفته است. اشخاصی که بالای ۱۸ سال باشند، به شرط پنج سال اقامت متوالی یا متناوب در خاک ایران و فراری‌نبودن از خدمت نظامی و عدم محکومیت به جنحه مهم و غیرسیاسی می‌توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند. ماده واحده‌ای که شامل حال بسیاری از پناهندگان حاضر در ایران که بیش از سه نسل است ساکن ایران‌اند، می‌شود. اما نه در اوگاندا و نه در ایران، عمده پناهندگان نتوانسته‌اند از این قانون استفاده کنند.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل این است که هیچ پلکان امیدی طراحی نشده است. در ایران بین پناهندگی و تابعیت، هیچ پلکانی وجود ندارد. پناهندگی در ایران، رتبه‌ای پایین است. کسب تابعیت یک طبقه بالا است. مسلما اگر کسی به‌راحتی یک طبقه را با یک جهش طی کند، برای این صعود هیچ ارج و قربی قائل نخواهد شد. برای رسیدن به طبقه‌ای بالاتر باید پلکانی وجود داشته باشد. پلکانی که هر فرد پناهنده بتواند با گام برداشتن در آن طبق قوانینی که سیاست‌گذاران کلان تعیین کرده‌اند، به تدریج بتواند به طبقه بالاتر برسد. پلکانی که شرایط مورد نظر سیاست‌گذار را تأمین کند. اقامت‌های کوتاه‌مدت، اقامت‌های بلندمدت، اقامت دائم و در نهایت شهروندی پلکانی هستند که نبودشان در مجموعه قوانین و سیاست‌های مهاجرتی ایران به‌شدت احساس می‌شود. پناهندگان در ایران در موقعیتی فریزشده قرار دارند. آنها اگر بخواهند یک شهروند نمونه ایرانی هم باشند، بازهم هیچ مسیری برایشان وجود ندارد؛ مسیری که در آن مطابق با شرایط موردنظر جامعه ایران رشد کنند و هم خودشان را شکوفا کنند و هم باعث سربلندی کشوری شوند که پناه پدرانشان در سال‌های دور بوده است. جای خالی پلکان امید برای رشد و ترقی جمعیتی حدودا یک میلیون نفری در ایران به‌شدت احساس می‌شود.

[1]Uganda citizenship and immigration control act

من ایرانی هستم

هویت؛ کلید درهای بسته

قمر تکاوران

● از سروکولم بالا می‌رفت و بیسکویت بهم تعارف می‌کرد و اصرار داشت بخورم. تازه راه افتاده بود و تعادل کافی در راه‌رفتن نداشت، باوجوداین هم فارسی را متوجه می‌شد و هم عربی را. می‌دیدم وقتی پدرش با او عربی حرف می‌زند واکنش نشان می‌دهد و همین‌طور وقتی مادرش فارسی حرف می‌زند. کلماتی را به دو زبان ادا می‌کرد و خنده از رخش محو نمی‌شد. به دوروبرم که نگاه می‌کردم معلوم نبود اتاق کار است یا اتاق بازی. گوشه‌ای از اتاق که نه، کل اتاق حتی روی میز کار پدر و مادرش هم اسباب‌بازی ریخته بود و هرازگاهی هوس می‌کرد بالای میز برود و روی میز بازی کند. برخلاف پدر سام[1] که آرامش داشت و با طمأنینه صحبت می‌کرد، در نگاه مادرش اما نگرانی موج می‌زد و همواره بغض فروخورده‌ای داشت. نگاه‌های نگرانش به سام در ذهنم ثبت شد. پدرش بر این باور بود که زنان ایرانی خیلی موفق و توانمندند، اما جامعه خیلی پذیرای آنان نیست. به راستی هم عاطفه خیلی توانمند بود. با تمام سختی‌هایی که در این سال‌ها، از زمان تصمیمش برای ازدواج با یک مرد سوری، کشیده بود، حالا روبه‌رویم نشسته بود و از تلاش‌های بیشتر برای ساختن زندگی‌اش صحبت می‌کرد؛ زندگی‌ای که از همان اول همه مخالفش بودند و از خانواده گرفته تا قانون می‌خواستند آن را به‌هم بزنند. هیچ‌کس تلاشی برای وصل نمی‌کرد و همه راه‌حل‌ها به جدایی ختم می‌شد. خودشان دوتا تنها به طناب وصل چنگ زده بودند و نمی‌خواستند آن را رها کنند. عاطفه دانشجو بود که با دانشجوی سوری دانشگاه امیرکبیر آشنا شد و بعد دید که همین مرد زندگی اوست. با اینکه دردسرهای راضی‌کردن خانواده و فرایند طاقت‌فرسای ثبت ازدواج تمام شده بود، اما هنوز درگیر دردسرهای معمول مهاجربودن همسرش، اعم از کارت بانکی، گواهی‌نامه، بیمه و کار بودند. عاطفه فوق‌لیسانس باستان‌شناسی داشت و عکاسی می‌کرد، همسرش ارشد مهندسی کشتی‌سازی داشت و کارش ترجمه بود. با این وضعیت کارشان، زندگی راحت نبود، اما بحران اصلی تازه از راه رسیده بود. همه اینها در مقابل فرزند بی‌شناسنامه‌ای که در راه بود، هیچ بود. عاطفه عزمش را جزم کرده بود که سام را در ایران به دنیا نیاورد. تمام زندگی را در چمدانی گذاشتند تا در آن‌سوی مرزها سام بتواند از نعمت هویت بهره‌مند شود. می‌خواستند به برزیل بروند، اما سفارت ویزا نداده بود. رفتند لبنان که بتوانند از آنجا به فرانسه مهاجرت کنند. در روزهای آخر خبر رسید که مجلس دارد این مشکل را حل می‌کند، کارهای ویزای فرانسه را نصفه‌ونیمه رها کردند و به ایران برگشتند که سام ایرانی شود، اما مجلس راه‌حلی نداده بود. سام به دنیا آمد و تمام تلاش‌های پدر و مادرش برای شناسنامه‌دارکردنش بی‌نتیجه مانده بود. او تنها یک اسم بود در شناسنامه مادرش. واکسن‌هایش را با کد ملی مادرش زده بودند، چون خودش هویتی نداشت. از ورودش به کتابخانه جلوگیری شده بود، چون او که هویت ندارد، یک‌ساله هم باشد نمی‌تواند وارد شود. همه درها به رویش بسته بود و نگرانی عاطفه از آن بود که سام هر روز بزرگ‌تر می‌شود، هر روز نیازهایش بیشتر می‌شود و بعدها درهای زیادی را خواهد زد که هیچ‌کدام به رویش باز نمی‌شود. حالا تمام همتشان را جمع کرده بودند تا ازدواجشان را در سوریه ثبت کنند، برای سام پاسپورت سوریه بگیرند و از ایران مهاجرت کنند.

۱. اسامی استفاده‌شده در متن واقعی نیستند و به درخواست خود افراد برای فاش‌نشدن نامشان، از اسامی مستعار استفاده شده است.

جدول ۳۴۱۳ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- دانش‌نامه پزشکی نوشته زکریای رازی- ظالم و زورگو- نت اول ۲- مامان- نام سابق رامسر- اسمی که بر یک چیز دلالت می‌کند ۳- نقاشی روی شیشه- فیلمی ساخته مارتین اسکورسیزی ۴- صندوق لباس مادربزرگ- سوره شصت و چهارم قرآن- مرکز تنظیم گلوکز در بدن ۵- شب روستایی- مجموعه دستگاه حکومتی- شهری در مازندران ۶- قسمت‌های آغازین- سرمه- وارونه‌اش خوب نیست! ۷- قیمت- نگهداری‌شده- نام قدیم بیت‌المقدس ۸- مرز- خویشاوندی- حماسه‌سرای نامی یونان ۹- خدشه‌دار- جنگ و نبرد- برس چارپایان ۱۰- نوعی حلوا- شهری در پاکستان- فهم و شعور ۱۱- خرده‌گرفتن- در بیان علت به کار می‌رود- گشاده ۱۲- بداخلاق- پرجمعیت‌ترین شهر در مرکز چین- ینگه دنیایی ۱۳- کنایه از مهارت و قدرت است- حقیقی و واقعی ۱۴- اعلان- فنا- خوراک قناری ۱۵- چیز- شب‌های عربی- مدرن و پیشرفته.

عمودی:

۱- آماده‌کردن- سر بریده- خوش‌گذران ۲- میان- حالت دوستی دو شهر با یکدیگر ۳- اندازه و مقدار- یگانه- از نشانه‌های نوشتاری ۴- رمانی نوشته فهیمه رحیمی- قوه مجریه- چاه جهنم ۵- نظم و ترتیب‌دادن- از ابزار بنایی ۶- درخت تسبیح- به راستی- پایتخت کوبا ۷- نگین انگشتر- مستعمل- پهلوان ۸- قله- فرکانس- در و پنجره بناهای قدیمی ۹- شاهکار توماس هاردی، شاعر و نویسنده انگلیسی- پایتخت امارات متحده عربی- دختران عرب ۱۰- خانواده‌ای از میوه‌ها- لقب پادشاهان روسیه بود- سازمان جاسوسی آمریکا ۱۱- پیامبران- راهنمایی‌کردن ۱۲- راز نهفته- قشر، پوسته- دورو ۱۳- بدون تغییر- از انجیل‌ها- قدرت و توان ۱۴- رمانی از جان اشتاین بک آمریکایی- تکرار حرفی ۱۵- بسیار مهربان- قلعه- مصونیت از خطر.

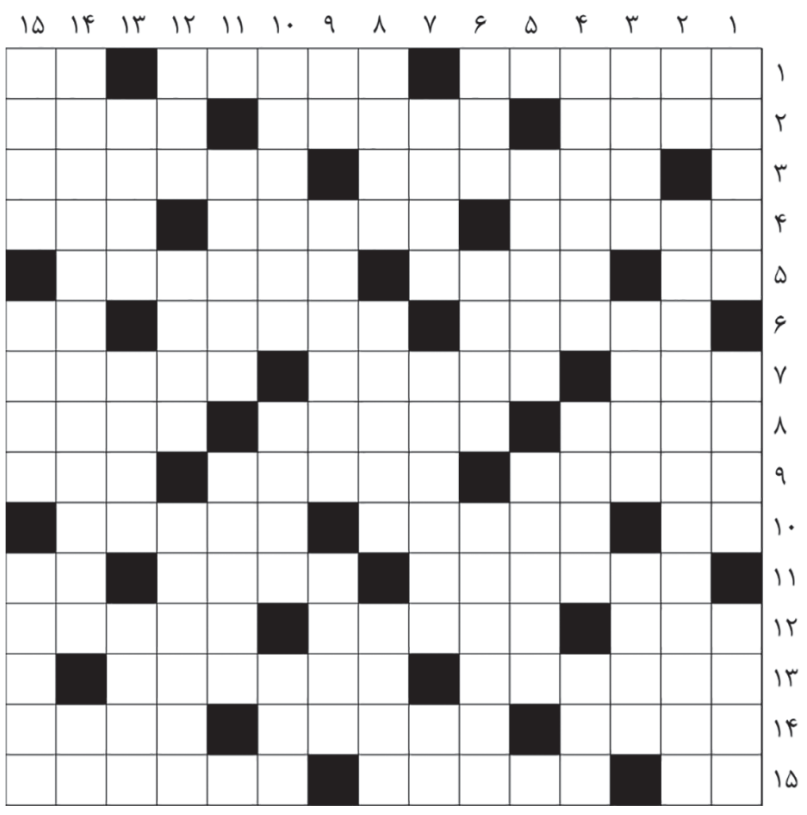

حل سودوکو سخت

۶	۷	۵	۱	۴	۹	۸	۳	۲
۹	۸	۲	۶	۵	۳	۴	۱	۷
۴	۱	۳	۲	۸	۷	۵	۶	۹
۷	۵	۸	۴	۳	۶	۲	۹	۱
۳	۶	۹	۵	۱	۲	۷	۸	۴
۲	۴	۱	۷	۹	۸	۳	۵	۶
۱	۲	۶	۸	۷	۵	۹	۴	۳
۸	۳	۷	۹	۶	۴	۱	۲	۵
۵	۹	۴	۳	۲	۱	۶	۷	۸

حل سودوکو ۲۴۰۸

۲	۴	۳	۵	۱	۹	۸	۷	۶
۸	۵	۱	۳	۷	۶	۴	۹	۲
۹	۶	۷	۴	۸	۲	۳	۱	۵
۴	۳	۵	۶	۹	۷	۱	۲	۸
۱	۸	۹	۲	۴	۵	۶	۳	۷
۶	۷	۲	۸	۳	۱	۵	۴	۹
۷	۱	۴	۹	۶	۸	۲	۵	۳
۵	۹	۶	۱	۲	۳	۷	۸	۴
۳	۲	۸	۷	۵	۴	۹	۶	۱

جدول ۳۴۱۲

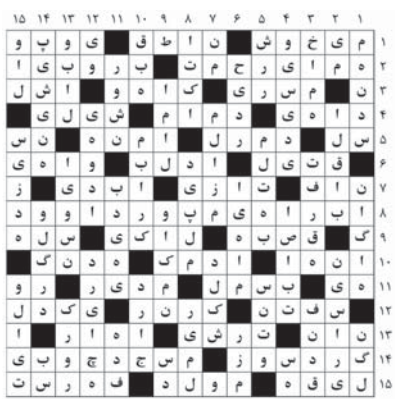

سودوکو سخت ۲۴۰۹

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۶				۴				
	۹	۲	۶			۴		
			۷			۱		
۳	۷			۲				
	۱						۷	
				۱			۶	۸
		۴			۸			
		۱			۶	۵	۹	
				۹				۲

سودوکو ساده ۲۴۰۹

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۹		۴				۵	۶
			۵		۱			۷
	۳			۶			۱	۲
				۵	۶			۹
۹	۵						۲	۸
۴			۲	۹				
۱	۲			۷			۸	
۵			۹		۲			
۳	۸				۵		۹	